



۵ جولای، ۲۰۲۲

ملالی موسی نظام

ملک ستیز

بقایای هندو ها و سک های افغانستان هم مملکت شان را ترک کردند



هندو ها و سک های ما در روز برگزاری استقلال، با البسه ملی و بیرق زیبای افغانستان

در فیس بوک آقای ملک ستیز مطلب مهمی در مورد گروهی از مردم ما که با وجود علاقمندی به خاک و وطن شان، ناچار به ترک افغانستان عزیز گردیده اند، تحریر گردیده است که گویا به تصمیم گیری اهل هندو و سکهای کشور بعد از حملات خونبار داعش بر زیارتگاه آنان، روشنی می اندازد. در حقیقت تا ملت افغانستان بیاد داشته است، اقلیت سک و اهل هندو کشور ما همه مردمان متعهد به قانون و زحمت کش بوده با نهایت صلح و بی غرضی در هر شهر و منطقه ای حیات بسر می بردند. این جمعیت ازین که افغان شناخته شوند همیشه افتخار نموده و حتی در دهلی پایتخت هند گروپ

های متعدد و تجارت پیشه ای که به مناسبت جنگ ها به تدریج مهاجرت نموده اند، خود ها را افغان معرفی می نمایند.

در منطقه واشنگتن دی سی هم، تعداد زیادی از هندو ها و سک های افغان با فعالیت گوناگون و تحصیلات عالی بودباش دارند که اینقلم در محافل متعدد شان و حتی عروسی ها اشتراک داشته ام که با کمال تعجب نه تنها مراسم شان نهایت افغانی بوده و اتن ملی با البسه ملی ما دختران و پسران سک و هندو مجلس را زیب و زینت می دادند، بلکه غذا و موزیک محفل هم دقیقاً بهترین ها و افغانی سفارش داده شده بود.

متأسفانه وقتاً فوقتاً مشاهده میگردد که این کتله شریف و مردمان قابل قدر جامعه افغانی مورد حملات دد منشانه جمعی آدم کشان سخیف و بی مروتانی که از اسلامیت، انسانیت و افغانیت بویی نبرده اند، در داخل افغانستان واقع گردیده و بزرگ و کوچک شان در خون و آتش غرق میگردند.

در عصر اشغال کابل ذریعه تنظیم های خونخوار جهادی و دولت «**ربانی و مسعود**» هم این گروه شریف صدمات جانی و مالی زیادی را متحمل گردیدند و حتی زن ها و طبقه اناث شان مورد آزار عساکر مسعود واقع گردیده و عده ای به قتل رسیدند.

در حکومت قبلی اخیر همچنان این مردمان واقعی و شریف کشور ما را گاهی بصورت غیر قانونی از داشتن نماینده در ولسی جرگه و مشرانو جرگه مانع میگردیدند و زمانی هم در مراسم عزاداری و شرایط و جایگاه برگزاری آن موانع ایجاد می نمودند.

اهل هنود و سک های افغانستان در حالیکه مانند بقیه ملت خدمت مقدس عسکری را بجا می آوردند، به دولت تکس و مالیه میپرداختند، کاملاً به قوانین و مقررات کشور احترام قایل بودند و تابعین نهایت متعهد و سربراه شناخته میشدند. روش این گروه با مردم افغانستان بر اصول مردم داری، دوستی خالصانه و اطوار نیک و پسندیده استوار بود.

متأسفانه مداخله اجانب و عمال داخلی آنان در تفرقه اندازی بین مردم افغانستان که اهل هنود و سک های ما جزئی از آنان میباشند، ملت واحد افغانستان را به مشکلات گوناگونی مواجه ساخته است، طوریکه مشاهده میگردد، این اقلیت شریف افغان اجباراً به ترک سرزمین خویش اقدام ورزیده اند.

اینک به ادامه، مطلب محترم «**ملک ستیز**» محقق افغان را از فیس بوک شان تقدیم میداریم:

همه را از شما و شما را از ما گرفتند

ملک ستیز

آخرین هم میهنان سک تبار کشور را ترک کردند. این نامه برای واپسین مسافران سرگردان میهنم است. جای شما چقدر خالیست. شما رنگین گمان آسمان ما بودید. کوچه های میهن برای شما دل تنگ خواهند شد. خانه های شما پر از شیرینی، صفا و خنده بودند. شما ترانه های عاشقانه میهن را می سرودید. عشق از زبان شما لذت داشت. وقتی در خیابان های بهارستان شما را می دیدم، نگاهم رنگین می شد و خود را در جامعه متنوع و رنگارنگ حس می کردم. وقتی شما را در شهر می دیدم که کار می کنید و زندگی می سازید، دلم برای آینده امید می گرفت. وقتی زبان های پشتو و فارسی را با لهجه های محلی کشور از زبان شما می شنیدم روحم را همدیگرپذیری تازه گی می بخشید.



عده ای از اهل هنود و سک های افغان بعد از حمله اخیر که منجر به کشتار بیگناهان شان گردید وقتی به دسترخوان تند، شیرین و ترش که خاصه ی پیشینه و فرهنگ غنی شما بود می نگریستم، دلم برای غنماندی ما خوشحالی می کرد. وقتی به لباس های کودکان شیرین شما می دیدم روانم را جشن و شادمانی فرا می گرفت. وقتی به درمسال و عبادتگاه های شما نگاه می کردم، کثرت گرایی که هیچ دشواری اجتماعی را به بار نیاورده بود به قلبم چنگ می زد.

شما خواهران مهربان ما بودید. شما برادران زحمتکش ما بودید. شما موسفیدان و افتخارات ما بودید. شما طبیب، افسر، مهندس، تجار، دکان دار، مامور، فعال سیاسی و سازنده میهن مشترک ما بودید. شما گل های رنگارنگ جامعه فقیر ولی زیبای ما بودید. شما سردارها، لاله ها و لالا های ما بودید. اما حیف و هزاران افسوس که شما را از ما گرفتند. این را بدانید که ما همه با رفتن شما

اندوهگینیم. ولی شما تنها نیستید که از دامان میهن رانده شده اید. ملیون‌ها هم میهن تان به سرنوشت شما مواجه هستند. این هیولای وحشت و جنگ همه ی ما را سرگردان ساخته است. من با شما خداحافظی نمی کنم، می گویم به امید دیدار. آن میهن همان قدری که مال من است، از شما نیز است. شهر کهنه کابل جان، کارته پروان، غزنی، جلال آباد، گردیز و ... در انتظار شما فرزندان با صفا و بی غرض خواهد بود. وقتی من این نامه را به شما می نویسم، قلب و چشمانم گریه می کنند. مثل چشمان شما که میهن را ترک می کنند. ما همه دل تنگ شما هستیم و خواهیم بود. دل تنگ جشن دیوالی شما، دل تنگ رقص چوب بازی شما، دل تنگ پای کوبی‌ها و صمیمیت شما. به یاد دارم وقتی کودک و نوجوان بودم بهترین دوستانی در میان شما داشتم. شما بیش تر از ما احمد ظاهر و ساربان می شنیدید و به سان ما به افغانستان سرزمین مشترک ما عشق می ورزیدید. شما را دوست داریم، هم میهنان خوب، دوست داشتنی و رنگین کمانم .

و عده می دهم در هر جای دنیا که زندگی کنید مهم میهن ما هستید، فقط از ما. شما جز وجود ما هستید و ما متعهد هستیم که در اندوه و شادی شما به سان هم میهنان شرافتمند شریک خواهیم بود .
به امید رهایی از وحشت، تندروی، تعصب و جنگ.
به امید برگشت و به امید دیدار،

پایان